

۲۵۳ - ای یاران نورانی عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۲۵۳ - ای یاران نورانی عبدالبهاء

ای یاران نورانی عبدالبهاء، شمس حقیقت چون از افق احدیت بنورایت غیر مسبوقه اشراق بر آفاق فرمود شرق و غرب روشن و لامع گشت و جنوب و شمال فجر ساطع شد ظلمتی باقی نماند و ضلالتی فی الحقیقه بر قرار نگشت یکادُ زیتها یُضییءُ شد و لو لم تَمَسَّه النَّارُ نور علی نور گشت جهل و نادانی فانی شد و علم و دانائی روشنائی گشت پرده و حجاب دریده شد و جمال حقیقت درخشیده گشت موسم خریف گذشت و فصل بهار جانپور رسید صولت دی شکست و شوکت اردیبهشت خاور و باختر را احاطه نمود بنیاد گلخن بر افتاد و طراوت گلشن جلوه نمود غراب ظللهانی نومید شد و بلبل گلشن ابهی نغمه رحمانی سرود طرف چمن سبز و خرم گشت و مرغان گلزار به نغمه و آواز آمدند. اما ضلالت عبارت از اغماض عین شد و پرده کوری چشم و شین گشت. ظلمتی نیست ولی چون چشم بر هم نهی ظللمات است پرده ای نیست چون بوهم افتی حجاب است. این اقوام مختلفه و طوائف کثیره که در ضلالتند پرده کینونت ایشان است و کوری چشم ایشان و الا آفاق روشن است و اشراق محیط بر کائنات. پس شما به تجید رب مجید پردازید که در این دور جدید هر یک در میدان عرفان فرید و وحید گشتید. این عطا و این وفا و این الطاف بی منتهی هر چند در این ایام مستور و پنهان است ولی عنقریب آشکار و عیان گردد که محرمان راز را چه ساز و آواز است و مقربان درگاه کبریا را چه عزت در درگاه بی نیاز. عنقریب مشهود و واضح گردد که عبودیت آستان مقدس سلطنت دو جهان است و بندگی درگاه احدیت سروری کون و مکان.

ای یزدان پاک این یاران به محبت گریبان چاک کردند و از پرتو هدایت رخ روشن و تابناک نمودند از عالم خاک گذشتند و دل بجهان افلاک بستند خاکسار درگاه تواند و عاکفان بارگاه تو جز تو نخواهند



ORIGINAL



AUDIO

و بغیر از تو نجویند و جز راز تو نگویند ظهیر شو مجیر شو و آزادی به هر اسیر بخش و از سلاسل و زنجیر
نفس و هوی نجات ده و بر بندگی و شرمندگی و آزادگی و سادگی موفق نما و از کودکی و آلودگی و
خستگی و ماندگی رهائی ده توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده در جهان غیب و عیان و
علیکم التّحیّة و الثّناء.

